

راهنمای کارگری برای عمل مستقیم

این مقالات در سال ۱۳۶۷ توسط کمیته تشکیلات شهر کومه له منتشر شد. گزیده‌ای از این جزوه، با اصلاحاتی در ترجمه، در شماره‌های مختلف سازمانده کمونیست به تدریج منتشر میشود.

(۲) کار کردن طبق مقررات

Work to Rule

"اگر دستورات مدیریت کاملاً اجرا شود، سردرگمی بوجود می‌آید، تولید کاهش می‌آید و روحیه کارگران افت میکند، به منظور تحقق اهداف سازمان تولید، کارگران باید دستورات را

همینجا باید توضیح داد که برخورد جریان آنارکو سندیکالیستی به طبقه کارگر طبقاتی نیست، صنفی است. چون سیاسی نیست. سیاست و بنابراین حزب سیاسی نقش محوری در دیدگاه و فعالیت آنها ندارد. اما مراجعه به نوشته‌های IWW غالباً از سر انتقال تجربه مفید است. ضمناً باید تفاوت‌ها و مشابهت‌های شرایط ایران با

آنچه در این سلسله مقالات میخوانید برگزیده‌ای از یک جزوه منتشر شده توسط IWW (کارگران صنعتی جهان) تحت همین عنوان است. این سازمان یکی از سازمانهای متعلق به سنت آنارکو سندیکالیستی در آمریکا است که در سالهای دهه بیست و سی قرن بیستم نقش مهمی را در مبارزات طبقه کارگر در آمریکا بازی کرد. از اعضای سرشناس آن از جمله دو کارگر به نام های ساکو و وانزتی بودند که توسط دولت آمریکا برایشان یاپوش درست شد و اعدام شدند و فیلمی هم از آنها ساخته شده است.

سازمانده کمونیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۴ فروردین ۱۳۸۵

۱۲

جمعه‌ها منتشر میشود

حزب کمونیست کارگری - حکمیت

کوروش مدرسی

سازمان و سبک کار کمونیستی

بخش دوم

چپ فرقه‌ای و سازمانهای غیر حزبی

این متن خلاصه و تنظیم شده بحثی است که در دو جلسه یک سمینار حزبی در ژانویه ۲۰۰۶ ارائه شده و جنبه طرح بحث را دارد و باید به همین عنوان به آن برخورد شود. در شماره‌های قبیل سازمانده کمونیست بخش اول این بحث در مورد کمیته‌های کمونیستی منتشر شد. از این شماره بخش دوم در مورد چپ فرقه‌ای و سازمانهای غیر حزبی شروع میشود. س ک

(۲)

تشکل توده‌ای یا تشکل‌ها غیر حزبی

میلیتانت ساده کرده ایم مبتنی بر هدف ایجاد یک حزب توده‌ای بوده است. در بحث مربوط به کمیته‌های کمونیستی به این موضوع هم اشاره کردم.

بنا گذاشتن یک حزب توده‌ای کمونیستی برای چپ سنتی یک تز غیر متعارف است. تصویر عمومی از یک حزب کمونیستی حزب الیت، حزب پیشاهنگان، حزب نوعی "خواص" است. این تصور از حزب ابتدا بر مبنای برداشت مشترک منشویک‌ها و بلشویک‌ها، که بعداً به برداشت عمومی انترناسیونال ۳ و کمونیسم اردوگاهی تبدیل شد، از بحث‌های سازمانی لنین استوار بود. جای دیگری توضیح داده‌ام که چرا چنین برداشتی از بحث‌های لنین، و بویژه کتاب "چه باید کرد؟" لنین، نادرست است و مبنای شکل‌گیری یک منشویسم میلیتانت به نام بلشویسم شد که اصلاً لنین و لنینیسم را نمایندگی نمیکند.*

معمولاً وقتی چپ رادیکال در مورد سازمانی غیر حزبی حرف میزند صحبت از "تشکل‌های توده‌ای" و "سازمان دمکراتیک" میکند.

یکی از "مشکلات" هم درست از همینجا شروع میشود. تداومی تشکل توده‌ای با سازمان غیر حزبی ناشی از این پیش فرض است که حزب یک سازمان غیر توده‌ای است. در نتیجه سازمان‌های توده‌ای اتوماتیک به دست بندی سازمان‌های غیر حزبی تعلق میگیرند. در بحث‌های مختلف توضیح داده‌ام که تصویری که ما در ده سال گذشته از حزب داشته‌ایم و بر طبق آن عضویت در حزب را تا حد عضویت در هر سازمان غیر حزبی و یا اتحادیه کارگری

زیرا این سازمانها، مثل همه نهاد‌های دیگر جامعه، نمیتوانند از سیاست مستقل باشند. همه این نهادها در دنیای واقعی متأثر از این یا آن حزب یا آن سنت سیاسی و اجتماعی هستند.

به عکس تاکید بر استقلال تشکیلاتی نه تنها نباید با ابراز تمایل سیاسی این نهادها مقابله کرد، بلکه به عکس همه احزاب سیاسی باید بتوانند تلاش کنند این سازمان‌ها را در چارچوب اهداف و فلسفه سیاسی آنها به حمایت از خود و یا اتخاذ سیاست‌های خود جلب کنند. کسی که از استقلال سیاسی این نهادها دفاع میکند یا واقعاً از نظر اجتماعی و سیاسی "نا بالغ" است و یا مدافع سیستم، جنبش و افق داده فعلی در جامعه است.

چنین کسانی در پوشش بی طرفی مانع نفوذ و دخالت مخالف خود در این تشکل‌ها میشوند. این معمولاً سیاست راست برای مقابله با نفوذ چپ است. اینها به مردم وعده یک سازمان غیر سیاسی و مستقل از احزاب سیاسی را میدهند. تبلیغ چنین ایده‌ای یک توهم یا یک دروغ است و در نهایت حاصل آن یکسان است. مردم را به دنباله روی از سیستم موجود، که سیاسی و متأثر از احزاب نظام حاکم است سوق میدهد.

در این بحث منظور ما از غیر حزبی بودن، همانگونه که اشاره شد، استقلال سازمانی این تشکل‌ها از همه و هر سازمان

اما برداشت اولیه هر نقطه‌شروعی را که داشت بعداً تئوری "حزب خواص"، "حزب برگزیدگان"، "حزب پیشاهنگان" و حزبی که بنا به تعریف توده‌ای نیست برای چپ غیر اجتماعی یک تئوری از آسمان رسیده بود که کل غیر اجتماعی بودن این چپ را نه تنها "توضیح" میداد، بلکه آنرا بعنوان یک فضیلت ایدئالیزه میکرد.

برای ما حزب باید تبدیل به یک سازمان توده‌ای بشود. سازمانی که مردم میتوانند به آن روی آورند، به آن پیوندند و مبارزه خود برای دنیای بهتر و علیه نظم موجود را در آن متشکل کنند. به این اعتبار برای ما حزب هم یک سازمان توده‌ای است.

در نتیجه امروز موضوع بحث من در مورد سازمان‌های توده‌ای نیست. بحث در مورد سازمان‌های غیر حزبی و رابطه غیر اجتماعی چپ فرقه‌ای و غیر اجتماعی با آنها است. این سازمان‌های غیر حزبی میتوانند توده‌ای باشند، مثل شورا، اتحادیه، سازمان برای رهایی زن، و یا میتوند غیر توده‌ای باشند، مثل کمپین‌ها، انجمن‌ها، کانون‌ها فکری، نهاد‌های خدمات اجتماعی و غیره.

آنچه که این سازمان‌ها را از حزب متمایز میکند نه جنبه توده‌ای آنها بلکه استقلال سازمانی آنها از حزب است.

بر استقلال سازمانی تاکید میکنم و نه بر استقلال سیاسی

راهنمای عمل مستقیم ...

غالباً نادیده انگارند و بر حسب تکنیک های خود به انجام امور بپردازند و سلسله مراتب و اتوریته را نادیده بگیرند. بدون این نوع سابوتاژهای منظم اغلب کارها انجام نمیشود.."

از روانشناسی اجتماعی صنعتی نوشته جی.ای.سی. براون

تقریباً اکثر مشاغل مملو از مجموعه ای تو در تو از قوانین، مقررات، دستورات صادره و غیره است. بسیاری از اینها بدرد نمی خورند و غالباً نادیده گرفته میشوند. این مساله بویژه در مورد مشاغل دولتی و نیز مشاغلی در صنایع که مقررات دولتی زیادی شامل شان میشود، صدق میکند، ببینید وقتی که قوانین خط به خط اجرا میشوند چه اتفاقی می افتد.

در فرانسه، بریتانیا، و بویژه در ایالات متحده، و بسیاری کشورهای دیگر، سیستم راه آهن که بطور روز افزونی سود آوری خود را از دست میدهند، به مالکیت و تحت کنترل دولت در میابند. از آنجائیکه اعتصاب بر علیه دولت غیر قانونی است، راههای دیگری برای ابراز ناراضیاتی یافت شده است.

در صنایع ملی شده فرانسه اعتصاب قدغن بود، کارگران راه آهن تشویق شدند که دقیقاً مطابق قوانین رفتار کنند، یکی از قوانین فرانسه میگوید که راننده لکوموتیو می باید از امنیت پیل هائی که قطار از روی آن میگذرد، اطمینان حاصل کند، اگر پس از معاینه پیل کماکان نسبت به امنیت آن مشکوک بود، بایستی اعضای دیگر خدمه قطار را مورد مشورت قرار دهد. البته که قطار دیر به مقصد خواهد رسید.

قانون دیگری که به ناگهان کارگران راه آهن فرانسه به آن علاقمند شدند، قانون مربوط به کنترل بلیط قطارها است. تمام بلیط ها با دقت از هر دو سمت ملاحظه شوند. قانون در مورد ساعات شلوغ ترافیک ساکت است. (در ایستگاه های مرکزی این کار به دلیل ازدحام غیر ممکن است)

اقدام به اعتصاب برای کارگران پست همواره منع شده، اما حکومت در قوانین خود به آنها اسلحه قدرتمندی را بخشیده است،

بریتانیا سال ۱۹۶۲، مدیر کل پست اعلام کرد که تا اطلاع

ثانوی، دفاتر پست نباید آگهی های تجاری را به قیمت مطالب چاپی (که ارزان تر است) پست کنند.

ناظر ایستگاه جدا کردن نامه ها در اداره پست مونت پلیزانت اعلام کرد که بطور معمول ۶۰۰ هزار محموله پستی در اینجا باقی میماند. حالا در نتیجه تلاش برای جدا کردن مطالب چاپی از آگهی های تجاری با وجود اینکه تمام شب را کار کنیم، ۳ میلیون محموله باقی میماند. و روزانه در حدود ۷۵۰ هزار محموله کمتر ارسال میشود. (به نقل از روزنامه ایونینگ استاندارد ۶ ژانویه ۱۹۶۲)

در هشتم ژانویه محموله ها، برای جدا کردن، به ادینبورو، پترزبورو و کاردیف فرستاده شد. این خود به مشکلات موجود افزود. یک سخنگوی اتحادیه مدعی شد که ۳۵۰ کیسه پستی به مقصد منطقه اسکس که برای جدا کردن بار مونت پلیزانت به پترزبورگ فرستاده شده بود، به مونت پلیزانت برگردانده شده بود، زیرا پست پترزبورگ پر از محموله پستی بود، به محض رسیده محموله به مونت پلزانت، مسئولین پست دستور ارسال مجدد آنرا به پترزبورو صادر

کردند. (به نقل از ایونینگ استاندارد، دهم ژانویه ۱۹۶۲)

کار مطابق قانون به شیوه های دیگری هم امکان پذیر است، در یک کارگاه ماشین سازی شیکاگو که کارش ساختن و نصب ماشین های چاپ معمولی بود، کارگران از دست یک مهندس که دائماً موی دماغشان بود، انتقاد میکرد، بازخواست شان میکرد و فشار میآورد، عصبانی بودند.

مثل بسیاری از مهندسين هم نوع خود همیشه طرح های به درد نخوری را ارائه میکرد که کارگران ماشین کار، با تغییراتی آنها را به مصنوعات بدرد بخوری تبدیل میکردند. ماشین کاران برای اینکه از شر این شخص خلاص شوند، ماشین چاپی را دقیقاً مطابق دستورالعمل های مهندس ساختند. روزی که قرار بود ماشین را تحویل دهند، بطور کلی کار نمیکرد. شش ماه بعد ماشین با سرعتی نصف آنچه که قرار بود کار کند کار میکرد، مهندس اخراج شد و شخص دیگری که معقول تر بود به جایش آمد.

ادامه دارد

اجتماعی اصولاً به اعتبار خود موضوعیت ندارند و لذا ضرورت زمان حکومت سلطنت اینها تنها ضد شاه بودند امروز هم تنها ضد جمهوری اسلامی و سرنگونی طلب. همین. تشخیص اینکه چرا این سیستم فکری و این جنبش عملی در چارچوب افق ناسیونالیسم قرار میگیرد کار سختی نیست. به هر صورت برای این چه موضوعات

سیاست برایشان یعنی ضد رژیم بودن و تنها همین. در زمان حکومت سلطنت اینها تنها ضد شاه بودند امروز هم تنها ضد جمهوری اسلامی و سرنگونی طلب. همین. تشخیص اینکه چرا این سیستم فکری و این جنبش عملی در چارچوب افق ناسیونالیسم قرار میگیرد کار سختی نیست. به هر صورت برای این چه موضوعات

"خود ممنونی انقلابی" و "حق به جانبی انقلابی" به خود حق میدهند که هر حدود و ثغور حق انسانی، ضوابط تشکیلاتی و استقلال چنین تشکل هائی را زیر پا بگذارند.

بعدا اشاره خواهیم کرد که انقلابیگری این چه اساساً یک انقلابی گری ضد رژیمی است. گاه به آن نام انقلاب دمکراتیک میدهد و گاه انقلاب سوسیالیستی اما این انقلابیگری غیر اجتماعی است، به جامعه وصل نیست، خالص و خلص سیاسی است، آنهم سیاسی که به جامعه وصل نمیشود. اینها فقط ضد رژیم هستند، به اصطلاح سیاسی هستند. فعال هیچ جنبش اجتماعی خاصی نیستند. نه واقعا فعال کارگری هستند، نه فعال جنبش رهائی زن، نه فعال پناهندگان هستند و نه کودکان و نه هیچ چیز دیگری. سیاسی هستند و

چپ فرقه ای ...

یا نهاد دیگر است. به این معنی که این تشکل ها سلسله مراتب سازمانی خود برای تصمیم گیری را دارند و سیاست این یا آن حزب برای آنها لازم الاجرا نیست.

در تشکل ها غیر حزبی، پروسه رسیدن به تصمیم، چه در موافقت و چه در مخالفت با سیاست یک حزب از کانال سیستم تصمیم گیری قانونی آن تشکل انجام میشود و این سازمان ها در سیستم سازمانی تصمیم گیری احزاب نیستند. بعداً توضیح میدهم که این استقلال نه تنها رسمی است بلکه اکید باید رعایت شود. برای رشد و اجتماعی شدن حزب و این تشکل ها رعایت این استقلال سازمانی حیاتی است. بعداً توضیح میدهم که چپ رادیکال فرقه ای با اتکا به از

کمیته تشکیلات کل کشور

بهرام مدرسی (دبیر): bahram-modarresi@freenet.de

اسد گلچینی: asad.golchini@ukonline.co.uk

مظفر محمدی: mozafar_mohammadi@yahoo.com

خالد حاج محمدی: khaledhaji@yahoo.com

محمود قزوینی: mahmood@iran-tribune.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!